



سیاست و فضا

(رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری)

دکتر سهراب عسگری دکتر محمدرئوف حیدری فر
دکتر پرویز سلیمانی مقدم

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاوردهای انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب کتاب

نه	پیشگفتار
۱	فصل اول: فضای جغرافیایی
۱	هدف کلی
۱	اهداف یادگیری
۱	مقدمه
۲	۱-۱ مفهوم فضای جغرافیایی
۶	۲-۱ مختصات فضای جغرافیایی
۹	۳-۱ فضا و مکان جغرافیایی و تفاوت آن‌ها
۱۳	۴-۱ فناوری‌های نوین و فضای جغرافیایی
۱۶	۵-۱ عناصر و محتوای فضای حیاتی
۱۷	۶-۱ کنشگران فضا، روندها و فرایندها
۱۹	۷-۱ ایدئولوژی و فضای جغرافیایی
۲۱	خلاصه فصل
۲۳	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول
۲۴	پرسش‌های تشریحی
۲۵	فصل دوم: سیاست، حکومت و کشور
۲۵	هدف کلی
۲۵	اهداف یادگیری
۲۵	مقدمه
۲۶	۱-۲ مفهوم سیاست
۲۹	۲-۲ تعریف حکومت و عناصر آن
۳۲	۱-۲-۲ دولت
۳۳	۲-۲-۲ قوه مقننه یا قانون‌گذاری

۳۶	۳-۲-۲ قوه قضاییه
۳۷	۳-۲ کشور در جغرافیای سیاسی
۳۹	۳-۲-۱ مردم
۴۲	۳-۲-۲ سرزمین
۴۴	۳-۲-۳ حکومت
۴۵	۴-۲ پراکندگی جغرافیایی کشورها
۴۷	۵-۲ شکل کشورها
۵۰	۶-۲ واحدهای سیاسی و نقش مرزها
۵۱	۶-۲-۱ انواع مرز
۵۴	۶-۲-۲ دو رویکرد متفاوت به مرزهای بین‌المللی
۵۶	خلاصه فصل
۵۹	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم
۵۹	پرسش‌های تشریحی
۶۱	فصل سوم: فضای جغرافیایی و سیاست
۶۱	هدف کلی
۶۱	اهداف یادگیری
۶۱	مقدمه
۶۲	۱-۳ ضرورت وجود تشکیلات سیاسی در یک واحد
۶۸	۲-۳ تشکیلات سیاسی و سازماندهی فضای جغرافیایی
۷۰	۳-۳ شهروند، وظایف و حقوق شهروندان
۷۰	۳-۳-۱ شهروند
۷۸	۳-۳-۲ وظایف شهروندان
۸۰	۳-۳-۳ حقوق شهروندی
۸۳	۴-۳ آثار متقابل عناصر سازنده واحد سیاسی و مثلث روابط
۸۶	۵-۳ بازتاب تصمیمات سیاسی در فضای جغرافیایی
۸۷	خلاصه فصل
۸۹	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم
۹۰	پرسش‌های تشریحی
۹۱	فصل چهارم: نگاهی به فضای جغرافیایی جهان
۹۱	هدف کلی
۹۱	اهداف یادگیری
۹۱	مقدمه
۹۲	۱-۴ تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی جهان
۹۳	۲-۴ تقسیم جهان به شمال و جنوب اقتصادی
۹۵	۳-۴ تقسیم جهان بر اساس اندیشه‌های خودمحوری

۹۷	۴-۴ تقسیم جهان بر مبنای توسعه یافتگی
۱۰۰	۵-۴ رقابت قدرت های بزرگ و فضای جغرافیایی
۱۰۲	۶-۴ عوامل مؤثر در شکل دهی فضای جغرافیایی جهان
۱۰۵	خلاصه فصل
۱۰۸	خودآزمایی چهارگزینه ای فصل چهارم
۱۰۸	پرسش های تشریحی
۱۰۹	فصل پنجم: سیاست و چالش های آن
۱۰۹	هدف کلی
۱۰۹	اهداف یادگیری
۱۰۹	مقدمه
۱۱۰	۱-۵ سیاست اولی، سیاست سفلی
۱۱۲	۲-۵ آفت سیاست زدگی
۱۱۳	۳-۵ سیاست آفت زده
۱۱۴	۴-۵ سیاست و دیکتاتوری
۱۱۵	۵-۵ سیاست و دموکراسی
۱۱۶	۱-۵-۵ مفهوم دموکراسی
۱۱۹	۲-۵-۵ دموکراسی و فضا
۱۲۰	۳-۵-۵ جغرافیای انتخابات
۱۲۳	۴-۵ شهروندی
۱۲۴	۵-۵ سیاست و گروه های فشار (گروه های تحمیل)
۱۲۶	۶-۵ سیاست و حزب سیاسی
۱۲۸	۷-۵ سیاست و قدرت
۱۳۰	۱-۷-۵ قدرت ملی
۱۳۲	۸-۵ سیاست؛ مقیاس و فضا
۱۳۴	۹-۵ سیاست و منافع ملی
۱۳۷	۱۰-۵ ژئوپلیتیک
۱۳۸	۱۱-۵ استراتژی
۱۳۹	۱-۱۱-۵ ژئواستراتژی
۱۳۹	۱۲-۵ واقعیت های ژئوپلیتیک و استراتژی ژئوپلیتیک
۱۴۰	خلاصه فصل
۱۴۳	خودآزمایی چهارگزینه ای فصل پنجم
۱۴۳	پرسش های تشریحی
۱۴۵	فصل ششم: چالش های فضای جغرافیایی
۱۴۵	هدف کلی
۱۴۵	اهداف یادگیری

۱۴۵	مقدمه
۱۴۶	۱-۶ چیرگی انسان بر فضای جغرافیایی
۱۴۸	۱-۱-۶ سازماندهی سیاسی فضا
۱۴۹	۲-۶ فضای جغرافیایی و تخریب و بنا
۱۵۱	۳-۶ فضای جغرافیایی و نسل‌های آینده
۱۵۲	۱-۳-۶ توسعه پایدار
۱۵۴	۴-۶ عدالت جغرافیایی رهیافتی نو در تبیین سازماندهی فضا
۱۵۴	۱-۴-۶ مفهوم عدالت فضایی
۱۵۴	۲-۴-۶ عدالت فضایی، فرایندهای تصمیم‌گیری و باز توزیع
۱۵۶	۳-۴-۶ سیاست و عدالت فضایی (جغرافیایی)
۱۶۱	۴-۴-۶ ابعاد عدالت اجتماعی در اسلام
۱۶۱	۵-۶ آلودگی‌های زیست‌محیطی و مسئولیت نوع بشر
۱۶۳	۱-۵-۶ آلودگی خاک‌ها
۱۶۳	۲-۵-۶ آلودگی منابع آب
۱۶۴	۳-۵-۶ آلودگی هوا
۱۶۶	۶-۶ واقع‌گرایی و فضای جغرافیایی (جنگ و تمرینات جنگی)
۱۷۰	۷-۶ جمعیت و فضای جغرافیایی
۱۷۲	خلاصه فصل
۱۷۵	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل ششم
۱۷۵	پرسش‌های تشریحی
۱۷۷	پاسخ‌نامه خودآزمایی‌های چهارگزینه‌ای
۱۷۹	منابع

پیشگفتار

فضای جغرافیایی که از مفاهیم بنیادین علوم جغرافیاست ارتباط تنگاتنگی باسیاست و ساختار سیاسی حاکم بر جامعه دارد. در تبیین مفهوم فضای جغرافیایی البته به نقش دو گروه از عوامل اشاره می‌شود: عوامل طبیعی و عوامل انسانی.

عوامل طبیعی مجموعه‌ای خودکار هستند که براساس قوانین خود عمل می‌کنند و فضاهای مختص به خود را پدید می‌آورند. این فضاها از پویایی خاصی برخوردارند و از قوانین انسانی پیروی نمی‌کنند. واکنش آنها به دخالت‌های نوع بشر در بسیاری مواقع تند بوده و منطبق بر معیارها و قوانین غیرانسانی است.

عوامل انسانی، اما در مقایسه با مورد پیش‌گفته مجموعه‌ای از رفتارها و کنش‌ها هستند که هم می‌تواند همراه با برنامه باشند و هم بدون برنامه. فضاهای جغرافیایی انسان‌ساز از این منظر به گروه کشورهای توسعه‌یافته، کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌نیافته قابل‌تقسیم هستند. تفاوت در این سه فضای جغرافیایی به برنامه‌ریزی، مدیریت و سازمان‌دهی قانونمند و قاعده‌مند مربوط می‌شود. به بیان بهتر کشورهای توسعه‌یافته فضاهای جغرافیایی را با برنامه‌ریزی سامان می‌دهند. فضای جغرافیایی در این‌گونه کشورها در مقایسه با کشورهای دیگر مدیریت شده و ساماندهی شده است. در گروه دوم از کشورهای جهان تلاش برای ساماندهی بهتر ادامه دارد اما با کشورهای گروه نخست فاصله قابل‌توجهی دارند ولیکن در مقایسه با کشورهای گروه سوم وضعیت مطلوب‌تری دارند.

گروه سوم کشورهای توسعه نیافته هستند که امیدی به بهبودی اوضاع آنها نیست. در این گونه کشورها مردم گرفتار حاکمیتی ناتوان، بی تدبیر و فاسد هستند که برای سازمان دهی فضای جغرافیایی کار مهمی نمی تواند انجام دهد. در نتیجه فضای جغرافیایی کشورهای توسعه نیافته از ناهمگونی، فقدان مدیریت، ویرانی رنج می برد. به بیان دیگر این کشورها درگیر مرگ تدریجی شده اند.

فضای جغرافیایی برونداد مجموعه ای از روندها است. روندهایی که بر پایه برنامه ریزی عملیاتی می شوند به فرایندهای قابل توجه و مثبت منتهی می گردند و روندهای بدون برنامه پیامدهای نامطلوب در پی دارند. در فضای جغرافیایی کشورها این تفاوت ها به طور کامل قابل مشاهده هستند. به بیان دیگر فضای جغرافیایی کشورها انعکاسی است از برنامه ها، روندها و فرایندها. برای رسیدن به فرایندها مجموعه گسترده ای از اقدامات و عملیات نیاز است. از این رو هر فضای جغرافیایی انعکاسی است از اقدامات حکومت ها و دولت ها که در طی یک دوره مشخص انجام می گیرد.

کتاب سیاست و فضا که اکنون به زیور طبع آراسته شده در شش فصل تنظیم گردیده است. فصل یکم به تبیین مفهوم فضای جغرافیایی می پردازد. فصل دوم به سیاست، حکومت و دولت اختصاص یافته است. در فصل سوم رابطه بین سیاست و فضای جغرافیایی مورد تحلیل قرار می گیرد. در فصل چهارم فضای جغرافیایی جهان و در فصل پنجم چالش های فضا مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته اند.

پر واضح است که با تمام تلاش های صورت گرفته، کتاب سیاست و فضا دارای نقصان های است. بسیار خرسند خواهیم گشت استادان گرامی و صاحب نظران و دانشجویان محترم دیدگاه های خود را در این خصوص اعلام فرمایند.

فصل اول

فضای جغرافیایی

هدف کلی

در این فصل دانشجویان با مفهوم فضای جغرافیایی، مختصات فضای جغرافیایی، عناصر و محتوای آن و همچنین کنشگران فضای جغرافیایی و اثر ایدئولوژی در شکل‌گیری فضای جغرافیایی آشنا می‌شوند.

اهداف یادگیری

از دانشجویان انتظار می‌رود که پس از مطالعه این فصل بتوانند:

۱. با مفهوم فضا و اشکال آن آشنا شوند.
۲. مختصات فضایی را توضیح دهند.
۳. تأثیر فناوری‌های نوین فضای جغرافیایی را تبیین نمایند.
۴. ایدئولوژی را توضیح و تأثیر آن را بر فضا تشریح کنند.
۵. کنشگران فضا، روندها و فرایندهای آن را بیان نمایند.

مقدمه

اغلب در مورد مفاهیم و اصطلاحات گوناگون علمی در جغرافیا و به‌صورت کلی‌تر در علوم انسانی نظری یکسان در میان دانشمندان و محققان وجود ندارد. دلیل این امر وجود دو نکته اصلی می‌باشد: از یک‌طرف قوانین و نظریه‌ها در علوم انسانی قطعی و یقینی نمی‌باشند؛ برعکس در علوم طبیعی قوانین قطعی می‌باشند. همچنین جریان‌ها و

روابط در علوم انسانی نسبی بوده و از نظر زمانی و مکانی تفاوت‌هایی در بین آن‌ها وجود دارد؛ به‌همین دلیل شناخت فرضیه‌ها، اغلب نظریه‌سازی‌ها و قانون‌گذاری‌ها در علوم انسانی از جمله جغرافیا نسبی می‌باشند. بر این اساس، چارچوب‌های فکری و نظری در علوم انسانی نسبت به علوم طبیعی فراوانی بیشتری دارند. از طرفی دیگر در رابطه با مسئله فوق، وجود دیدگاه‌ها، نظریه‌ها و مکاتب گوناگون در علوم انسانی و جغرافیاست. هرکسی تعریف خاصی از یک حادثه، پدیده و یا جریان و فرایند دارد که بخشی از کل را تشکیل می‌دهد. در میان واژه‌هایی که در جغرافیا - خصوصاً در زبان فارسی، نظر یکسانی در مورد آن نیست واژه تخصصی فضای جغرافیایی می‌باشد. در مورد مفهوم فضا، اصطلاح مقیاس می‌تواند بسیار مفید باشد. فضا می‌تواند در چارچوب مقیاس بزرگی قرار گیرد که شامل جو و فضای بالای انسان می‌باشد؛ یعنی همان فضای کیهان که مجموعه اجرام سماوی، صور فلکی، ستارگان، سیاره‌ها، ستارگان دنباله‌دار و... را دربرمی‌گیرد. همچنین، فضا در یک بُعد و مقیاس کوچک‌تر می‌تواند فضای یک کلاس، فضای استادیوم ورزشی که احساسات موجود آن را منعکس می‌کند نمایش دهد. به‌نظر می‌رسد که از یک روستا تا یک قاره را بتوان در گستره وسیعی از فضاهای گوناگون تعریف نمود.

کاملاً روشن است که ما نمی‌توانیم یک واژه را به‌تنهایی و خارج از متن بزرگ‌تر جغرافیا درک کنیم؛ محیط، چشم‌انداز، مکان، روستا، شهر، کشور، قاره، منطقه، ناحیه و فضا هریک باوجود دیگری قابل فهم و درک است.

۱-۱ مفهوم فضای جغرافیایی

ورود واژه فضا به عرصه علم و فلسفه، باعث طرح دیدگاه‌های مختلف گردید. این واژه نخستین‌بار در قرن هفدهم به‌کار گرفته شد (Agnew, 2011). رشته‌های علمی چون جامعه‌شناسی، معماری و شهرسازی کاربرد این واژه را بیشتر رواج دادند. کاربرد فضا در علوم مختلف امروزه گسترش فراوانی یافته‌است. علوم جغرافیایی از جمله این رشته‌ها می‌باشد. کاربرد این واژه در علوم جغرافیایی بسیار گسترده‌تر از سایر علوم است. دلیل چنین اقبالی از این واژه به فناوری‌های نوین در عرصه سلطه انسان به فضاهای جغرافیایی فضایی و ارزیابی‌های فضایی بازمی‌گردد. فضا در مفهوم عام

صحنه عملکرد نوع بشر در زمان حیات است. به بیان دیگر، هر انسانی در یک گستره به کنش و واکنش می‌پردازد. برای دستیابی به نتیجه بهتر در کنش و واکنش‌ها، انسان‌ها خود را به ابزار مجهز می‌کنند که فرایند تحول در فناوری هستند. فضا، غایت کنش فردی و اجتماعی نیست، اما در دستیابی انسان‌ها به اهدافشان نقش دارد. فلسفی‌اندیشی، در خصوص مفهوم فضا در قرن‌های گذشته از سوی برخی فلاسفه چون: توماس هابز، جان لاک و امانوئل کانت تبیین مفهوم آن را روشن‌تر کرده‌اند. دیدگاه کانت در این زمینه مورد توجه است زیرا، باعث طرح یک مکتب فکری شده‌است. کانت معتقد است فضا یک چیز عینی، واقعی و مادی نیست؛ همچنین بر اثر یک امر تصادفی پدید نمی‌آید. فضا یک ایده‌آل و ناشی از ادراک ذهنی است. از دید کانت فضا و زمان نه وجودی جوهری دارند و نه وجودی بالعرض، همان‌گونه که ارسطو بدان باور داشت معرفتی پیشین است. مقوله‌ای ذهنی است که شناخت را امکان‌پذیر می‌سازد (حافظ‌نیا، احمدی‌پور و قادری‌حاجت، ۱۳۸۹: ۷۸). در نگاه نخست و عمومی، فضا به خارج از جو کره زمین اطلاق می‌شود که دارای ویژگی‌های خاص خود است. در این برداشت، فضا از قلمروی کره زمین خارج است و نه تنها تأثیری بر آن ندارد بلکه تأثیری هم نمی‌پذیرد، اما نقش واسطه دارد تا نور خورشید با عبور از آن به کره زمین برسد. همچنین، امکان استقرار و حرکت فضاپیماها و ماهواره‌ها را هم فراهم می‌کند. این فضا، بی‌انتهاست و محتوای آن شامل جرم‌های آسمانی، سیاره‌ها و ستاره‌هاست. در اثر فعالیت‌های انسانی و رهاشدن ماهواره‌های از کارافتاده و قطعه‌های مربوط به آن‌ها در چند دهه گذشته، آلودگی جو مطرح شده که در نوع خود آلودگی خاصی است. نوع دیگر از فضا که کاربرد پیدا کرده، مربوط به دنیای اطلاعات و ارتباطات می‌باشد فضای مجازی است. فضای مجازی فضایی است، متشکل از شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی وسیعی در دنیا که امکان مبادله اطلاعات با حجم زیاد را فراهم می‌کند. در این‌گونه فضا به گونه اختصاصی صحبت از اینترنت و سایر شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی است. این فضا مادی نبوده و برای افراد غیرمتخصص قابل شناسایی نیست. ضمن اینکه، برخی از فضاها مجازی و یا بخشی از آن‌ها انحصاری بوده و قابل دسترس همگان نمی‌باشند. در مقایسه با دو فضای پیش گفته، فضای جغرافیایی ملموس‌تر و عینی‌تر است.

• جغرافی دانان مفهوم فضا را به دو صورت به کار می‌برند:

- فضای طبیعی که بر قوانین طبیعی حاکمیت دارد.
- فضای اجتماعی که نتیجه کارکرد فعالیت‌های انسانی است و از قوانین اجتماعی تبعیت می‌کند (شکویی، ۱۳۹۰: ۱۱۸). در فلسفه جغرافیا به برآیند و پی‌آمد قابل مشاهده و اندازه‌گیری کنش و واکنش‌ها در درون هریک از این فضاها پدیده اطلاق می‌شود.

در جغرافیا، فضای جغرافیایی شامل: فرایندهای طبیعی تغییر توسط انسان، شرایط اجتماعی تولید و تقسیم اجتماعی کار که از یک واحد نظامی خاصی برخوردار می‌باشد را تشکیل می‌دهد. در واقع فضای جغرافیایی، بخشی از سطح زمین است که به همراه درون‌مایه‌های مادی و اجتماعی به‌وجود می‌آید. از این‌رو، فضای جغرافیایی، شامل طبیعت و هم منابعی است که می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با نیازهای انسانی برخورد کند و چهره جدیدی از سطح زمین بسازد. بدین‌سان که فضای جغرافیایی، یک حوزه زیستگاهی است که از شرایط طبیعی و ساختار اجتماعی جامعه شکل می‌گیرد. در واقع فضای جغرافیایی از مجموعه واقعیت‌های عینی در بخشی از سطح زمین به‌وجود می‌آید و از شرایط خاصی تأثیر می‌پذیرد (همان).

واژه فضا در جغرافیا در طی یک قرن گذشته و به‌ویژه از اواسط قرن پیشین کاربرد گسترده‌ای یافته‌است. این کاربرد اگرچه گستردگی جهانی دارد به‌طور عمده از یک نگرش جغرافیایی خاص تأثیر پذیرفته‌است. فضای جغرافیایی از نظر مفهوم‌پردازی و کاربرد بیشتر از مکتب جغرافیایی فرانسه تأثیر پذیرفته‌است. مفهوم‌پردازی برای اقداماتی چون آمایش سرزمین، مقدمه کاربرد گسترده واژه فضای جغرافیایی شد. اگرچه در آلمان مفهوم فضا پیوند محکمی با سیاست و کشورگشایی پیدا کرد، اما پس از شکست هیتلر این واژه همراه با واژه ژئوپولیتیک برای مدت زیادی طرد شدند.

در مکتب جغرافیایی فرانسه به‌ویژه افرادی چون روزه برونه^۱ فضای جغرافیایی را حاصل روابط انسان با انسان و انسان با طبیعت می‌دانند. به بیان دیگر، برونه و همفکرانش در فرانسه برای انسان در پیدایش فضای جغرافیایی نقش ویژه‌ای قائل و به همین دلیل است که معتقد بودند در جغرافیا، جایی برای قوانین محیطی وجود ندارد.

1. Roger Barone

۵ فضای جغرافیایی

فضا، زاده کنش عواملی فعال است و اجبارهای طبیعی این چنین نیستند. برونه محیط طبیعی را از فضای جغرافیایی جدا می‌داند، وی اعتقاد دارد در جغرافیا جایی برای قوانین محیطی وجود ندارد (شبلینگ، ۱۳۷۷: ۱۰۸).

در مکتب جغرافیایی فرانسه فضای جغرافیایی حاصل عمل انسان است، فضا خود به جامعه موجودیت می‌بخشد تا آنجا که هیچ جامعه‌ای بدون فضایی که خود به آن سازمان بخشیده، وجود خارجی به دست نمی‌آورد. فضا بعد ذاتی جامعه است و هر جامعه به کمک اشکال مادی و مرئی فضا که شامل چشم‌اندازها، زیرساخت‌ها، بوم‌ها و... امکان ساخت یک فضا را فراهم می‌کند. اما این فضا به هیچ‌روی به پدیدارهای مرئی و مادی محدود نمی‌شود، بلکه به میدان‌هایی نیرو و به جریان‌هایی راه پیدا می‌کند که تنها با دست‌یافتن به نوعی تحلیل جغرافیایی می‌توان به ماهیت آن‌ها پی‌برد. این تفکر نشانه‌هایی از ذات امکان‌گرایی و مکتب اختیار را دارد. ویدال دولابلش، یکی از بنیان مکتب اختیار، نقش و توان انسان در خلق پدیده‌ها را از نقش و توان طبیعت برجسته‌تر می‌داند. فضا؛ حاصل برنامه‌ها، اقدامات، کنش‌ها و فعالیت‌های گذشته‌است. به بیان بهتر، فضای جغرافیایی ساخته فعالیت‌های گذشته تاکنون است. از این نظر فضای جغرافیایی از اکنون تا آینده قابل پذیرش نیست، به بیان دیگر فضای جغرافیایی پشت سر انسان است و فراروی وی قرار ندارد. فضای جغرافیایی زاده حرکت مداوم و تغییر است. برای بازشناسایی فضا، جغرافی‌دان باید درصدد درک آثار انسانی و دستاوردهای جامعه‌هایی باشد که به آفرینش چنین آثاری اقدام کرده‌اند. پس فضای جغرافیایی فضایی است که ماهیت اجتماعی دارد و صورت ساخت‌های آن آفریده کنش انسانی است.

فضای جغرافیایی در مواردی از نظر زیستی، مورد توجه قرار می‌گیرد و در این گونه موارد، فضا عبارت است از: سرزمینی، در حد فاصل میان مرزها و از مفهوم آمد و شد جدایی‌ناپذیر است. برخی از جغرافی‌دانان در آن به دیده قلمرو یک گونه زیستی می‌نگرند و از این رو به جانب مفهوم فضای حیاتی متمایل می‌گردند. مفهومی مطالبه‌جویانه، که در بی‌طرفی علمی، به دیده تحقیر می‌نگرد. مسئله از این دیدگاه، در واقع عبارت است از: سنجش و تبیین واقعیت‌های موجود و نه اثبات درستی آن‌ها و یا مطالبه حقی (دروئو، ۱۳۷۱: ۱۲۴).

فضا یک تولید مادی، ایدئولوژیکی، فرهنگی، سیاسی و طبیعی می‌باشد. از این رو در شکل‌گیری فضا و پراکندگی و افتراق فضایی پدیده‌ها، نظام اقتصادی، نظام سیاسی و نظام ایدئولوژیکی نقش اساسی دارد. هر اسلوب فضایی، هم دارای درون‌مایه فضایی نظیر عوامل طبیعی و انسانی و هم شامل کیفیت‌های انتزاعی مثل فاصله، جهت و موقع نسبی می‌باشد. در واقع ساختار فضایی، از آرایش و سازمان‌یابی پدیده‌ها که نتیجه فرایندهای طبیعی، اجتماعی و اقتصادی است به وجود می‌آید (شکویی، ۱۳۸۵: ۲۰۵).

با توجه به توضیحات فوق، فضا به مثابه یک متن به هر تعبیری که به کار رود دارای ویژگی‌های ذیل است:

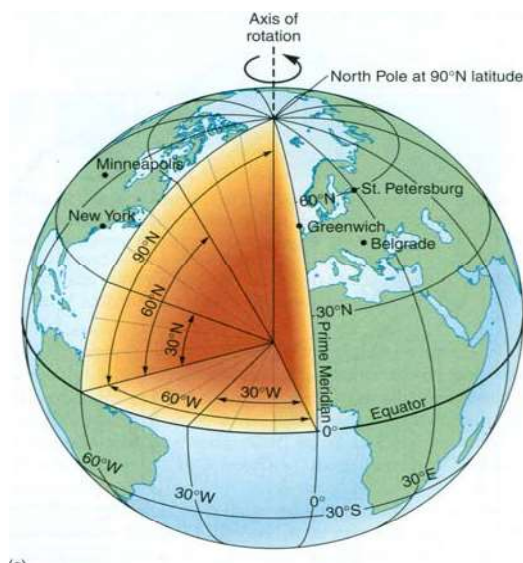
- از جنبه فیزیکی برخوردار است.
- از مکان‌های متناسب به پدیده‌ها و شبکه‌های ارتباطی بین آن‌ها شکل گرفته است.
- پدیده‌ای است، نظام‌مند و اجزای مکانی و شبکه‌های ارتباطی مربوط در متنی نظام‌یافته قرار گرفته‌اند.
- عناصر و ترکیبات فضا اعم از مکان‌ها، آدم‌ها، اشیاء، کالبد‌ها، شبکه‌ها، سازوکارها، سازمان‌ها و... با ماهیت فضا تناسب دارند.
- فضا قلمروی حضور، فعالیت و حیات انسان‌هاست.
- فضا دارای ظرفیت، چارچوب و مرزهای فیزیکی یا تصویری است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۸).

۲-۱ مختصات فضای جغرافیایی

هر فضای جغرافیایی دارای مختصاتی است که بخشی از این مختصات، خاص همان فضا و بخش دیگر مشترک بین فضاها و همسایه و فضاها می‌باشد.

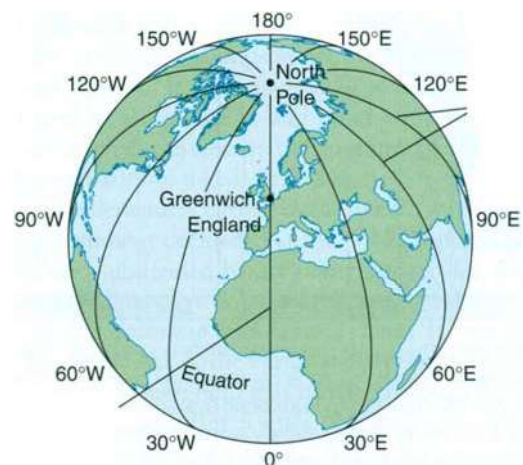
از مختصات ویژه می‌توان به موقعیت مطلق یا موقعیت ریاضی اشاره کرد که از این نظر هر فضا دارای موقعیت مطلق مربوط به خود است. در دنیا به هیچ وجه نمی‌توان دو فضای جغرافیایی یافت که از نظر موقعیت مطلق، شبیه به هم باشند.

موقعیت مطلق توسط دو مفهوم قراردادی و بین‌المللی، طول و عرض جغرافیایی مشخص می‌گردد (شکل ۱-۱).



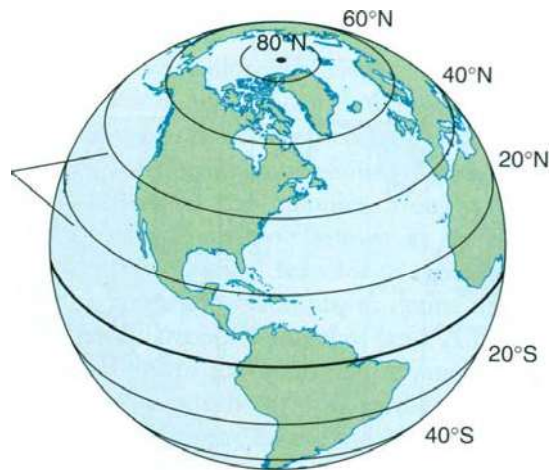
شکل ۱-۱. چگونگی اندازه‌گیری طول و عرض جغرافیایی

طول جغرافیایی، به طول شرقی و غربی تقسیم می‌شود که از نصف‌النهار مبدأ که از رصدخانه سلطنتی گرینویچ در لندن می‌گذرد، اندازه‌گیری می‌گردد. طول شرقی ۱۸۰ درجه و طول غربی هم ۱۸۰ درجه است که جمع آن‌ها یک دایره ۳۶۰ درجه را تشکیل می‌دهد (شکل ۱-۲).



شکل ۱-۲. نصف‌النهارها و چگونگی ترسیم

عرض جغرافیایی به عرض شمالی و عرض جنوبی تقسیم می‌گردد که از مدار استوا به طرف دو قطب اندازه‌گیری می‌شود. اندازه‌گیری عرض جغرافیایی از استوا به قطب شمال ۹۰ درجه و قطب جنوب هم ۹۰ درجه می‌باشد که در دو طرف کره زمین و به شکل دایره کامل ۳۶۰ درجه را تشکیل می‌گردد (شکل ۳-۱).



شکل ۳-۱. مدارها و چگونگی ترسیم عرض جغرافیایی

هر عرض جغرافیایی یک نقطه شروع و یک نقطه پایان دارد. برای نمونه، ایران در محدوده ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۴۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۴ درجه و ۵ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۱۸ دقیقه طول شرقی واقع شده‌است. هر درجه از طول و عرض جغرافیایی گستره متفاوتی را در هر نقطه از کره زمین دربرمی‌گیرد. هر درجه جغرافیایی در روی خط استوا نقشه نشان‌دهنده حدود ۱۱۱ کیلومتر، فاصله مکانی است و بر همین اساس هر دقیقه جغرافیایی حدود ۱۸۵۰ متر و هر ثانیه در محل مذکور نماینده ۳۱ متر فاصله مکانی خواهد بود ولی در عرض‌های بالاتر به مرور این فاصله کمتر می‌گردد (صفی‌نژاد، ۱۳۷۱: ۳۳-۳۴). کره زمین از نظر تقسیم‌بندی طول و عرض جغرافیایی وضع ثابتی دارد و توافق تعداد زیادی از رهبران جهان در سال ۱۸۸۴ در واشنگتن برای تعیین مبدأ اندازه‌گیری‌ها مورد پذیرش جهانیان قرار گرفته و امور روزمره مانند کشتی‌ها، هواپیماها، قطارها و حتی مبادلات اقتصادی و تجاری و سایر ارتباطات با استفاده از این توافق انجام می‌شود.

نوع دیگر مختصات که در فضای جغرافیایی قابل تشخیص است ناشی از موقعیت نسبی، موقعیت تجاری، موقعیت نظامی و... است. این مختصات بین فضاهای جغرافیایی مشترک است و ممکن است برخی از فضاها دارای ویژگی‌های مشترک باشند.

۳-۱ فضا و مکان جغرافیایی و تفاوت آن‌ها

مکان یک ساخت جغرافیایی است که از کاربرد گسترده‌تری نسبت به فضای جغرافیایی برخوردار است. این واژه، در میان ادبیات جغرافیایی کشورهای دنیا کاربرد و جایگاه ویژه دارد و استفاده از آن البته به سطح توسعه و رشد کشورها ارتباطی ندارد. مکان به‌طور عمده دارای ویژگی‌های انسانی است. به بیان بهتر، مکان با نقش‌های مختلف انسانی وجود می‌یابد. بنابراین می‌توان از مکان صنعتی، مکان فرهنگی، مکان تاریخی، مکان ورزشی و مکان تفریحی و... نام برد. برای پیدایش هریک از آن‌ها مجموعه فعالیت‌هایی صورت گرفته که بیانگر تعلق خاطر انسان به آن مکان‌ها می‌باشد. این آشکارترین تعریف از مکان است که مکان به یک چیز مادی هویت می‌بخشد. چیزی که یک فرد می‌تواند در روی نقشه به آن اشاره کند و در طبیعت روی آن قدم بزند. مکان به‌طور غالب به‌عنوان یک ماهیت مادی، دارای گستره جغرافیایی و مرزبندی شده درک می‌شود (Staehele, 2008: 159). تقریباً هر انسان دارای عقل سلیمی، مکان را آسان‌تر از فضا درک و تجربه می‌کند و در مقایسه با فضا، ضرورت مکان برای زندگی فردی و اجتماعی را به سادگی احساس می‌کند. آن‌ها حتی فضا را هم به‌واسطه مکان درک می‌کنند و فضایی جدا از مکان را غیرقابل تصور می‌دانند. این تفاوت در درک مکان و فضا از آن‌رو ناشی می‌شود که فضا در واقع انتزاعی‌تر از مکان است (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۹).

مکان تنها یک سرپناه برای فعالیت‌های انسانی نیست، بلکه پدیده‌ای است که انسان در تعامل خود، بدان معنا بخشیده و دلبسته می‌شود تا آنجا که گاه حتی خود را با آن باز می‌شناسد. اگر از زاویه نیازهای انسانی نیز به این مسئله نگاه کنیم، نیاز انسان به تعامل عاطفی با مکانی که در آن زندگی می‌کند و یا به عبارتی (دلبستگی به مکان) از جمله: مهم‌ترین ابعاد رابطه انسان و مکان است که باید مورد توجه قرار گیرد.

دلبستگی به مکان دارای ابعاد مختلف عاطفی، شناختی، عملکردی و رفتاری می‌باشد. به علاوه این کیفیت بر پایه تعامل پنج عنصر کلیدی شکل می‌گیرد که شامل انسان، مکان، مشارکت در فرایند طراحی مکان، نحوه تعامل انسان و مکان و عامل زمان می‌باشد (حافظ‌نیا، احمدی‌پور و قادری‌حاجت، ۱۳۸۹: ۹۲).

مکان مرکز عمل آگاهانه و ارادی انسان‌هاست. مرکزی است که در آن از رویدادهای مختلف، تجربه زندگی می‌آموزیم. رویدادها و عملکردهای آگاهانه، تنها در ساخت مکان‌های معین، پراهمیت جلوه می‌کنند. علت اختلاف مکان‌ها، تمرکز ارزش‌ها، دیدگاه‌ها، هدف‌ها و تجربه‌های مختلف در آن‌هاست. از این‌رو مکان‌ها، عوامل اصلی در ساماندهی تجربیات و قضاوت‌های ما از جهان می‌باشند. بدین‌سان که ماهیت مکان، نه از محل استقرار، نه از کارکردهای ضعیف، نه از اشغال آن به وسیله جامعه و نه از تجربیات مادی ما منشأ می‌گیرد بلکه همه عوامل فوق، ضرورتاً چهره و ماهیت مکان را شکل می‌دهند (شکویی، ۱۳۸۵: ۲۷۵). مکان دارای دو بعد طول و عرض است.

هر ناظری که بخواهد در خصوص یک مکان تحقیق کند با در نظر گرفتن این دو بعد کارش را آغاز می‌کند. به بیان دیگر، مکان با دو مشخصه طول و عرض ماهیت پیدا می‌کند.

در مواردی هم، مکان با موقعیت جغرافیایی برابر گرفته می‌شود. شناسایی موقعیت جغرافیایی نقاط و یا اشیا اولین اقدام در بررسی‌های جغرافیایی محسوب می‌شود (بهفروز، ۱۳۷۴: ۹).

• **مهم‌ترین تفاوت‌هایی که بین فضا و مکان وجود دارند عبارت‌است از:**

- در اغلب موارد، فضا بی‌مرز است. اما مکان، همیشه دارای مرزهای معینی است.
- مکان را فرهنگ انسانی می‌سازد. در حالی که فضا بیشتر حالت طبیعی دارد که از طریق فاصله طبیعی با سایر مکان‌ها ارتباط پیدا می‌کند و همچنین مکان حاصل تجربیات انسانی است.
- مکان بیانگر خاطرات، تجربیات، علایق، اسطوره‌ها و احساسات مشترک انسان‌هاست. فضا فاقد این امتیازات می‌باشد. اما فضاها از چنین امکاناتی آن هم به گونه کامل برخوردار نیستند.

- مکان‌ها به صورت قلمروهای فرهنگی، دارای درهم‌بافتگی اجتماعی، اقتصادی و روابط نهادی ویژه خود می‌باشد.

در جغرافیا مفهوم واقعیت عینی با سایر واقعیت‌ها تفاوت دارد. بدین‌سان که، در جغرافیا هر واقعیت عینی با مکان پیوند می‌خورد. چنان‌که مثلاً ۲۰ تن گندم فاقد مفهوم جغرافیایی است مگر آنکه ما آن را با مکان تولید، فرایند زمانی - مکانی، کیفیت مصرف و مکان حمل آن پیوند دهیم و بتوانیم زمینه نمایش این جریان را روی نقشه فراهم آوریم (شکویی، ۱۳۸۵: ۳۰۰-۲۹۹).

هر مکان دارای ویژگی‌هایی است، که شناخت آن را از سایر مکان‌ها ممکن می‌کند. این ویژگی‌ها در خصوص مکان‌ها کاربرد مشترکی دارد. اما هر مکان اختصاصات خود را دارا می‌باشد.

• مهم‌ترین ویژگی‌های جغرافیایی مکان عبارت‌است از:

- موقعیت
- مقیاس
- فاصله

- **موقعیت:** هر مکان جغرافیایی، دارای موقعیت مربوط به خود است. شناسایی موقعیت هر مکان با تقسیم‌بندی‌هایی چون، موقعیت مطلق یا ریاضی و موقعیت نسبی سنجش می‌شود.

- **مقیاس:** مقیاس، یک معیار سنجش قراردادی است و کاربرد گسترده‌ای دارد. موقعیت و شکل هر مکان جغرافیایی را می‌توان با استفاده از ابزارهای به‌نام نقشه و مقیاس به‌گونه‌ای روشن و گویا با یک نسبت مورد قبول روی کاغذ نشان داد. واحد این نسبت که به عدد کسری نشان داده می‌شود تعیین نگردیده‌است. بنابراین هر فرد می‌تواند واحد مورد علاقه خود را به‌کار ببرد. عدد بالای کسر نشان‌دهنده فاصله در روی نقشه و عدد پایین کسر نشان‌دهنده همان فاصله در روی زمین با همان واحد است. تمام نقشه‌هایی که به شیوه علمی تولید می‌شوند دارای مقیاس هستند.